

در رثای عاشق‌ترین زندگان

ویرانی

دستان‌ت را گرفتند

و دهانت را خرد کردند

به همین سادگی تمام شدی

از من نخواه در مرگ تو غزل بنویسم

کلماتم را بشویم

آنطور که خون لبهایت را شستند

و خون لبهایت بند نمی‌آمد

تو را شهید نمی‌خوانم

تو کشته‌ی تاریکی هستی

کشته‌ی تاریکی

این شعر نیست

چشمان کوچک توست

که در تاریکی ترسیده است

در تنهایی

گریه کرده

اعتراف کرده است.

نمی‌خواهم از تو فرشته‌ای بسازم با بالهای نامرئی

تو نیز بی وفا بودی

بی پروا می‌خندیدی

گاهی دروغ می‌گفتی

تو فرشته نبودی

اما آنکه سینه ات را سوخته به بهشت می رود

با حوریان شیرین هماغوشی می کند

با بزرگان محشور می شود

تو بزرگ نبودی

مال همین پائین شهر بودی.

می دانم از شعرهای من خوشت نمی آید

می گفتم: "شعرت استخوان ندارد

قافیه و ردیفش کو؟"

حالا ویرانی ام را می بینی؟

تو قافیه و ردیف زندگی ام بودی.

این شعر نیست

خون دهان توست که بند نمی آید.

الیاس حضرتی

بنویس

گوشه‌ی روزنامه

روی کاغذ توالت

پشت هر در بسته‌ای

بنویس

نامت را

تاریخ تولدت را

آرزوهایت را

هر چه

هر وقت

عجله کن

بنویس

آن‌ها همه چیز دارند

نوشتن نمی‌دانند

بنویس

سرگردانشان کن

سوم مرداد . سارا محمدی

خاوران،

زمین یاران، سرزمین من

آرامگاه خاوران آرامگاه یاران من

گلزار خاوران -

برای من

برای ما

تنهاییک آرامگاه نیست

آنجا جای دیگریست .

آری

آنجا برای من

برای ما

انگار سرزمین دیگریست .

گلزار خاوران

زمین و سرزمین

عاشقان به خون خود در غلطیده

باشقاوت جلادان،

برگرفته از کتاب مقدس آسمانی شان

خاوران -

گورستان خاوران -

گلزار خاوران -

جاداده در خود

هزاران گل بی خار

پرطراوت و پر خون

خوشبو

گل‌های گلگون

قتل عام شده سال ۶۷

به دست مکاران .

راه امام

به فرمان امام،

این کابوس نسل .

به سلاخی برده شده

به فرمان او

آهسته و آرام

در این گلزار

قدم بردارید

ترسم بدنهای شکنجه شده

یاران گلگونم

تاب در بیشتر نیاورند .

آرام و آهسته
به دیدار یارانمان رویم و
گام برداریم
مبادا بیشتر از این
آزار ببینند.

بنفشه کمالی

آتشکده

سنگ سرد بود، آب سرد بود، تابوت سرد

آه ای خاک گرم خاوران!

دشنه سرد بود، آیه سرد بود، خدایشان سرد

آه ای بذرهای شعله‌ور خاوران!

ارسالی از شقایق

بر گرفته از سایت آموزه های سوسیالیستی

[/http://amooze.wordpress.com](http://amooze.wordpress.com)